



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

## اصطلاحات فوتبال به انگلیسی + مثال و ترجمه

ارسال شده توسط مصطفی ساهری  مقالات زبان انگلیسی  ۴۲۶ بازدید  ۱۴۰۵/۰۳/۲۰ 



## موضوعات این مقاله

۱ اصطلاحات جام جهانی به انگلیسی

۲ جملات کاربردی جام جهانی به انگلیسی

۳ چند عبارت هواداری درباره جام جهانی به انگلیسی

۴ اصطلاحات فوتبال به انگلیسی - پایه و عمومی

۵ پست های فوتبال به انگلیسی

۶ قوانین، خطاها و تصمیم های داوری

۷ حرکات و تکنیک های فردی در فوتبال

۸ اصطلاحات تاکتیکی و استراتژی های تیمی

۹ اصطلاحات خاص، اسلنگ ها و عبارت های رایج گزارشگران

۱۰ اصطلاحات فوتبال به انگلیسی - تجهیزات، لباس ها و وسایل فوتبال

۱۱ مکان ها و قسمت های مختلف محیط فوتبال

۱۲ جمع بندی

فوتبال فقط یک ورزش نیست؛ یک زبان مشترک بین میلیون ها نفر در دنیاست. اگر اصطلاحات انگلیسی فوتبال را بلد باشید، تماشای مسابقه ها، خواندن اخبار ورزشی و حتی صحبت با طرفداران خارجی خیلی راحت تر می شود. در این مقاله، مهم ترین واژه ها و عبارت های فوتبالی را به صورت دسته بندی شده، همراه با مثال و ترجمه یاد می گیرید تا بتوانید آن ها را واقعا در مکالمه استفاده کنید. به شکل کلی در [آموزش زبان انگلیسی](#) باید راجع به ورزش ها و تفریحات هم یاد بگیرید.

## اصطلاحات جام جهانی به انگلیسی

جام جهانی فقط یک تورنمنت فوتبالی نیست؛ بلکه واژه‌ها و عبارتهای خاص خودش را دارد. اگر می‌خواهید اخبار، گزارش‌ها، قرعه‌کشی، جدول گروه‌ها (مثلا جدول گروه‌های جام جهانی ۲۰۲۶) و صحبت‌های هواداران را بهتر بفهمید، این اصطلاحات جام جهانی به انگلیسی بسیار کاربردی هستند.

FIFA World Cup

جام جهانی فوتبال فیفا

Millions of fans watch the **FIFA World Cup** every four years.

میلیون‌ها هوادار هر چهار سال یک بار جام جهانی فوتبال فیفا را تماشا می‌کنند.

host nation

کشور میزبان

The **host nation** played the opening match of the tournament.

کشور میزبان بازی افتتاحیه مسابقات را انجام داد.

co-hosts

میزبانان مشترک

The **co-hosts** prepared several stadiums for the World Cup.

میزبانان مشترک چندین ورزشگاه را برای جام جهانی آماده کردند.

opening match

بازی افتتاحیه

The **opening match** attracted fans from all over the world.

بازی افتتاحیه هوادارانی از سراسر جهان را جذب کرد.

group stage

مرحله گروهی

Our team needs four points to survive the **group stage**.

تیم ما برای عبور از مرحله گروهی به چهار امتیاز نیاز دارد.

group draw

قرعه‌کشی گروه‌ها

The **group draw** created some exciting matchups.

قرعه‌کشی گروه‌ها چند تقابل هیجان‌انگیز ایجاد کرد.

group of death

گروه مرگ

Many fans called it the **group of death** because all four teams were strong.

بسیاری از هواداران آن را گروه مرگ نامیدند، چون هر چهار تیم قدرتمند بودند.

knockout stage

مرحله حذفی

Only the best teams reach the **knockout stage**.

فقط بهترین تیم‌ها به مرحله حذفی می‌رسند.

round of ۱۶

مرحله یک‌هشتم نهایی

They were knocked out in the **round of ۱۶**.

آن‌ها در مرحله یک‌هشتم نهایی حذف شدند.

quarter-final

مرحله یک چهارم نهایی

The **quarter-final** was one of the most dramatic games of the tournament.

مرحله یک چهارم نهایی یکی از دراماتیک ترین بازی های تورنمنت بود.

semi-final

مرحله نیمه نهایی

The **semi-final** went to extra time.

بازی نیمه نهایی به وقت اضافه کشیده شد.

third-place play-off

بازی رده بندی

The **third-place play-off** was more exciting than many people expected.

بازی رده بندی از چیزی که خیلی ها انتظار داشتند هیجان انگیزتر بود.

final

فینال / بازی نهایی

The **final** was watched by millions of people around the world.

فینال را میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تماشا کردند.

World Cup trophy

جام قهرمانی جام جهانی

The captain lifted the **World Cup trophy** after the final whistle.

کاپیتان پس از سوت پایان، جام قهرمانی جام جهانی را بالای سر برد.

defending champions

قهرمان دوره قبل

The **defending champions** started the tournament with a confident win.

قهرمان دوره قبل مسابقات را با یک پیروزی قاطع آغاز کرد.

World Cup qualifiers

مسابقات انتخابی جام جهانی

They played very well during the **World Cup qualifiers**.

آنها در مسابقات انتخابی جام جهانی بسیار خوب بازی کردند.

qualification campaign

مسیر یا روند انتخابی جام جهانی

Their **qualification campaign** was full of difficult away games.

مسیر انتخابی آنها پر از بازی‌های خارج از خانه سخت بود.

final squad

فهرست نهایی بازیکنان

The coach announced the **final squad** two weeks before the World Cup.

مربی دو هفته پیش از جام جهانی فهرست نهایی بازیکنان را اعلام کرد.

tournament favorites

مدعیان اصلی قهرمانی

Brazil and France are often seen as **tournament favorites**.

برزیل و فرانسه اغلب جزو مدعیان اصلی قهرمانی دیده می‌شوند.

dark horse

تیم شگفتی‌ساز / تیمی که ممکن است برخلاف انتظار موفق شود

Morocco became **the dark horse of** the tournament.

مراکش به تیم شگفتی‌ساز آن دوره از مسابقات تبدیل شد.

giant-killing

شکست دادن یک تیم بسیار قدرتمند توسط تیم ضعیف‌تر

That victory was one of the greatest **giant-killings** in World Cup history.

آن پیروزی یکی از بزرگ‌ترین شگفتی‌سازی‌ها در تاریخ جام جهانی بود.

### Golden Boot

کفش طلا / جایزه بهترین گلزن

The striker won **the Golden Boot** with eight goals.

آن مهاجم با هشت گل جایزه کفش طلا را برد.

### Golden Ball

توپ طلا / جایزه بهترین بازیکن تورنمنت

The midfielder won the **Golden Ball** after a brilliant tournament.

آن هافبک پس از یک تورنمنت درخشان جایزه توپ طلا را برد.

### Golden Glove

دستکش طلا / جایزه بهترین دروازه بان

The goalkeeper won **the Golden Glove** for his amazing saves.

دروازه بان به خاطر مهارهای فوق العاده اش جایزه دستکش طلا را برد.

## جملات کاربردی جام جهانی به انگلیسی

در این بخش چند جمله واقعی و کاربردی درباره جام جهانی به انگلیسی می‌بینید. این جمله‌ها برای صحبت درباره بازی‌ها، تیم‌ها، جدول گروه‌ها، صعود، حذف شدن و هیجان مسابقات بسیار مفید هستند.

Which group is Iran in?

ایران در کدام گروه است؟

Who are they playing against tonight?

آن‌ها امشب مقابل چه تیمی بازی می‌کنند؟

They need to win this match to qualify.

آن‌ها باید این بازی را ببرند تا صعود کنند.

A draw is enough for them to reach the knockout stage.

یک تساوی برای رسیدن آن‌ها به مرحله حذفی کافی است.

They topped their group with seven points.

آن‌ها با هفت امتیاز صدرنشین گروه خود شدند.

They finished second in the group.

آن‌ها در گروه خود دوم شدند.

They were knocked out after losing the final group match.

آن‌ها پس از باخت در آخرین بازی گروهی حذف شدند.

They booked their place in the quarter-finals.

آن‌ها جای خود را در مرحله یک‌چهارم نهایی قطعی کردند.

The match went down to penalties.

بازی به ضربات پنالتی کشیده شد.

The whole country celebrated after the win.

بعد از پیروزی، تمام کشور جشن گرفت.

This is their first World Cup appearance.

این اولین حضور آن‌ها در جام جهانی است.

They have never reached the knockout stage before.

آن‌ها قبلاً هرگز به مرحله حذفی نرسیده‌اند.

The fans are dreaming of a historic run.

هواداران رویای یک مسیر تاریخی را در سر دارند.

This team could be the surprise package of the tournament.

این تیم می‌تواند شگفتی‌ساز مسابقات باشد.

They are under huge pressure before the final match.

آن‌ها قبل از بازی آخر تحت فشار زیادی هستند.

One mistake can end your World Cup dream.

یک اشتباه می‌تواند رویای جام جهانی‌ات را تمام کند.

The atmosphere in the stadium was unbelievable.

جو ورزشگاه باورنکردنی بود.

The opening ceremony was watched all over the world.

مراسم افتتاحیه در سراسر جهان تماشا شد.

The final will be played on Sunday night.

فینال یکشنبه شب برگزار خواهد شد.

Winning the World Cup is every footballer's dream.

بردن جام جهانی رویای هر فوتبالیستی است.

## چند عبارت هواداری درباره جام جهانی به انگلیسی

این جمله‌ها بیشتر برای مکالمه، کپشن، کامنت، استوری یا صحبت‌های روزمره بین طرفداران فوتبال کاربرد دارند.

Come on, Iran!

یا لا ایران!

What a match!

عجب بازی‌ای!

We still have a chance.

ما هنوز شانس داریم.

This is football. Anything can happen.

این فوتبال است؛ هر اتفاقی ممکن است بیفتد.

We deserved to win.

حقمان بود ببریم.

That goal gave us hope.

آن گل به ما امید داد.

The dream is still alive.

رویا هنوز زنده است.

We are out, but we are proud.

حذف شدیم، اما افتخار می‌کنیم.

One more win and we are through.

یک برد دیگر و صعود می‌کنیم.

This World Cup is full of surprises.

این جام جهانی پر از شگفتی است.

بیشتر بخوانید: اصطلاحات مربوط به موفقیت و شکست در انگلیسی

## اصطلاحات فوتبال به انگلیسی - پایه و عمومی

در این بخش، پایه‌ای‌ترین واژه‌هایی را می‌بینید که تقریباً در هر مسابقه، خبر ورزشی یا مکالمه فوتبالی شنیده می‌شوند.

football / soccer

فوتبال

**Football** is the most popular sport in the world.

فوتبال محبوب‌ترین ورزش در جهان است.

match

مسابقه

The **match** starts at eight o'clock tonight.

مسابقه امشب ساعت هشت آغاز می‌شود.

pitch

زمین بازی

The players walked onto the **pitch** with confidence.

بازیکنان با اعتماد به نفس وارد زمین بازی شدند.

goal

گُل

She scored a beautiful **goal** from outside the box.

او از بیرون محوطه جریمه یک گل زیبا به ثمر رساند.

team

تیم

Our **team** trained hard for the final.

تیم ما برای مسابقه نهایی سخت تمرین کرد.

player

بازیکن

Every **player** must follow the coach's instructions.

هر بازیکن باید دستورالعمل‌های مربی را دنبال کند.

coach

مربی

The **coach** changed the strategy at halftime.

مربی در بین دو نیمه استراتژی را تغییر داد.

referee

داور

The **referee** stopped the game after the foul.

داور پس از خطا بازی را متوقف کرد.

score

نتیجه / امتیاز بازی

The **score** was two to one at the end.

نتیجه در پایان دو بر یک بود.

crowd

جمعیت تماشاگران

The **crowd** cheered loudly for the home side.

تماشاگران با صدای بلند تیم میزبان را تشویق کردند.

stadium

ورزشگاه

The **stadium** was full before kickoff.

پیش از شروع بازی، ورزشگاه کاملاً پر شده بود.

kickoff

شروع بازی

**Kickoff** was delayed due to heavy rain.

آغاز بازی به دلیل بارش شدید باران با تاخیر انجام شد.

بیشتر بخوانید: ورزش ها به انگلیسی

پست های فوتبال به انگلیسی

goalkeeper

دروازه بان

The **goalkeeper** saved the penalty with one hand.

دروازه بان ضربه پنالتی را با یک دست مهار کرد.

defender

مدافع

The **defender** blocked the shot near the line.

مدافع ضربه را نزدیک خط متوقف کرد.

center back

مدافع میانی

The **center back** cleared the ball from the danger area.

مدافع میانی توپ را از منطقه خطر دور کرد.

full back

مدافع کناری

The **full back** ran down the wing and crossed the ball.

مدافع کناری در امتداد جناح دوید و توپ را ارسال کرد.

midfielder

هافبک

The **midfielder** controlled the tempo of the game.

هافبک ریتم بازی را کنترل کرد.

winger

وینگر

The **winger** used his speed to beat two opponents.

وینگر با سرعت خود از دو حریف عبور کرد.

playmaker

بازی‌ساز

The **playmaker** created several chances with clever passes.

بازی‌ساز با پاس‌های هوشمندانه چندین موقعیت ایجاد کرد.

forward

مهاجم

The **forward** stayed close to the box waiting for a pass.

مهاجم نزدیک محوطه جریمه منتظر دریافت پاس ماند.

striker

مهاجم نوک / گلزن

The **striker** finished the attack with a powerful shot.

مهاجم نوک حمله را با یک ضربه قدرتمند به پایان رساند.

substitute

بازیکن ذخیره

A **substitute** entered the field in the second half.

یک بازیکن ذخیره در نیمه دوم وارد زمین شد.

captain

کاپیتان

The **captain** motivated everyone before the match.

کاپیتان پیش از مسابقه همه را تشویق و انگیزه بخشی کرد.

linesman

کمک داور خط

The **linesman** raised the flag for an offside decision.

کمک داور خط برای اعلام آفساید پرچم را بالا برد.

**بیشتر بخوانید: تمام شغل ها در انگلیسی**

## قوانین، خطاها و تصمیم‌های داوری

offside

آفساید

The assistant called **offside** before the shot.

کمک‌داور پیش از ضربه، آفساید اعلام کرد.

foul

خطا

That tackle was a clear **foul**.

آن تکل یک خطای کاملاً واضح بود.

free kick

ضربه آزاد

They scored from a **free kick** near the box.

آن‌ها از نزدیکی محوطه جریمه از روی ضربه آزاد گل زدند.

penalty

ضربه پنالتی

The referee awarded a **penalty** after the handball.

داور پس از برخورد توپ با دست، یک ضربه پنالتی اعلام کرد.

handball

خطای دست

The defender **committed a handball** inside the area.

مدافع در داخل محوطه مرتکب خطای دست شد.

corner kick

ضربه کرنر

The **corner kick** led to a dangerous header.

ضربه کرنر به یک ضربه سر خطرناک منجر شد.

throw-in

پرتاب اوت

The ball went out for a **throw-in** on the left side.

توپ از سمت چپ زمین برای پرتاب اوت خارج شد.

goal kick

ضربه دروازه

The goalkeeper took the **goal kick** quickly.

دروازه بان ضربه دروازه را سریع زد.

yellow card

کارت زرد (اخطار)

He received a **yellow card** for time wasting.

او به دلیل اتلاف وقت کارت زرد دریافت کرد.

red card

کارت قرمز (اخراج)

The player left the field after the **red card**.

بازیکن پس از دریافت کارت قرمز زمین را ترک کرد.

extra time

وقت اضافه

The winner was decided in **extra time**.

برنده در وقت اضافه مشخص شد.

shootout

ضربات پنالتی تعیین کننده

The championship was settled by a **shootout**.

قهرمانی با ضربات پنالتی تعیین شد.

**بیشتر بخوانید: کلمات پرکاربرد زبان انگلیسی**

## حرکات و تکنیک‌های فردی در فوتبال

dribble

دریبل زدن / حرکت با کنترل توپ

He **dribbled past** three opponents with ease.

او به راحتی با دریبل کردن از سه حریف عبور کرد.

pass

پاس دادن

She made a short **pass** to her teammate.

او یک پاس کوتاه به هم‌تیمی خود داد.

cross

ارسال از جناحین

The winger sent a perfect **cross** into the box.

وینگر یک ارسال دقیق به داخل محوطه جریمه انجام داد.

header

ضربه سر

The striker scored with a powerful **header**.

مهاجم با یک ضربه سر قدرتمند گل به ثمر رساند.

volley

شوت مستقیم در هوا

He hit a **volley** before the ball touched the ground.

او پیش از برخورد توپ با زمین یک ضربه مستقیم زد.

half-volley

ضربه پس از یک برخورد با زمین

The **half-volley** surprised the goalkeeper.

آن ضربه پس از برخورد با زمین دروازه بان را غافلگیر کرد.

tackle

تکل / توپ‌گیری

The defender made a clean **tackle** from the side.

مدافع از کنار یک تکل تمیز انجام داد.

interception

قطع پاس / توپ‌ربایی

His **interception** stopped a dangerous attack.

قطع توپ او یک حمله خطرناک را متوقف کرد.

clearance

دفع توپ از منطقه خطر

The **clearance** sent the ball far away from the box.

دفع توپ آن را به فاصله دوری از محوطه جریمه فرستاد.

long shot

شوت از فاصله دور

She tried a **long shot** from outside the area.

او از بیرون محوطه جریمه اقدام به شوت از راه دور کرد.

chip

ضربه چیپ / بلند و نرم از بالای سر دروازه بان

He **chipped** the ball gently over the keeper.

او توپ را به آرامی از بالای سر دروازه بان عبور داد (به آرامی از روی سر دروازه بان چیپ زد).

bicycle kick

قیچی برگردان

The crowd applauded the spectacular **bicycle kick**.

تماشاگران آن ضربه قیچی برگردان تماشایی را تشویق کردند.

## اصطلاحات تاکتیکی و استراتژی های تیمی

formation

آرایش / چینش بازیکنان

The coach selected a defensive **formation** for this game.

مربی برای این بازی یک آرایش دفاعی انتخاب کرد.

lineup

ترکیب اصلی

The **lineup** was announced one hour before kickoff.

ترکیب اصلی یک ساعت پیش از آغاز مسابقه اعلام شد.

possession

مالکیت توپ

The home side kept **possession** for most of the match.

تیم میزبان در بیشتر زمان مسابقه مالکیت توپ را در اختیار داشت.

counterattack

ضد حمله

They scored during a quick **counterattack**.

آن‌ها در جریان یک ضد حمله سریع به گل رسیدند.

pressing

پرس کردن / فشار روی حریف

**High pressing** forced the opponent to make mistakes.

پرس شدید باعث شد حریف دچار اشتباه شود.

marking

یارگیری

Tight **marking** stopped the striker from receiving the ball.

یارگیری فشرده مانع دریافت توپ توسط مهاجم شد.

zonal defense

دفاع منطقه‌ای

The team used **zonal defense** during corners.

تیم در هنگام کرنرها از دفاع منطقه‌ای استفاده کرد.

through ball

پاس عمقی

A perfect **through ball** split the defense.

یک پاس عمقی دقیق خط دفاعی را شکافت.

build-up

شکل‌گیری تدریجی حمله

The **build-up** started from the back line.

شکل‌گیری حمله از خط عقب آغاز شد.

transition

تغییر فاز (از دفاع به حمله یا برعکس)

Quick **transition** surprised the opponent.

تغییر فاز سریع حریف را غافلگیر کرد.

set piece

موقعیت ایستگاهی برنامه ریزی شده

They practiced **set pieces** during training.

آن‌ها در تمرین روی موقعیت‌های ایستگاهی کار کردند.

wall

دیوار دفاعی

The **wall** jumped to block the free kick.

دیوار دفاعی برای مهار ضربه آزاد به هوا پرید.

## اصطلاحات خاص، اسلنگ‌ها و عبارتهای رایج گزارشگران

در میان اصطلاحات فوتبال به انگلیسی، مواردی که در این بخش یاد می‌گیرید بیش از هر چیز کمکتان می‌کنند صحبت‌های فوتبالی در دنیای واقعی - از گزارش فوتبال به انگلیسی تا صحبت‌های هواداران - را متوجه شوید:

hat-trick

سه گل توسط یک بازیکن در یک مسابقه / هت‌تریک

The striker completed a **hat-trick** in the second half.

مهاجم در نیمه دوم سه گل به ثمر رساند (هت‌تریک کرد).

clean sheet

بازی بدون گل خورده

The goalkeeper **kept a clean sheet** tonight.

دروازه‌بان امشب هیچ گلی نخورد.

equalizer

گل تساوی

They scored an **equalizer** in the final minutes.

آن‌ها در دقیقه پایانی گل تساوی را به ثمر رساندند.

opener

اولین گل بازی

The winger netted the **opener** early in the first half.

وینگر در ابتدای نیمه اول نخستین گل بازی را وارد دروازه کرد.

winner

گل پیروزی بخش

A late **winner** decided the contest.

یک گل پیروزی بخش دیر هنگام نتیجه رقابت را تعیین کرد.

thriller

بازی بسیار هیجان انگیز و پرگل

It was a real **thriller** with five goals.

آن مسابقه یک رقابت بسیار هیجان انگیز با پنج گل بود.

derby

شهرآورد / دربی / رقابت سنتی بین دو تیم همشهری یا رقیب قدیمی

The **derby** attracted thousands of supporters.

شهرآورد هزاران هوادار را به ورزشگاه کشاند.

comeback

بازگشت به بازی پس از عقب بودن / کامبک

The team made an incredible **comeback** after the break.

تیم پس از استراحت بین دو نیمه یک بازگشت باورنکردنی داشت.

blowout

پیروزی با اختلاف زیاد

The game ended in a **blowout** victory.

بازی با یک پیروزی قاطع و اختلاف زیاد به پایان رسید.

underdog

تیم ضعیف‌تر یا دارای شانس برد پایین

The **underdog** surprised everyone with a win.

تیم ضعیف‌تر همه را با یک پیروزی شگفت‌زده کرد.

benchwarmer

بازیکنی که بیشتر زمان را روی نیمکت می‌نشیند / نیمکت‌گرم‌کن

He was a **benchwarmer** for most of the season.

او بیشتر فصل را نیمکت‌گرم‌کن بود.

injury time

وقت تلف‌شده / زمان جبرانی

The referee added five minutes of **injury time**.

داور پنج دقیقه زمان جبرانی اعلام کرد.

## اصطلاحات فوتبال به انگلیسی - تجهیزات، لباس‌ها و وسایل فوتبال

از میان کلمات فوتبال در انگلیسی، از مهم‌ترین آنها تجهیزات و وسایلیست که استفاده می‌شود؛ در ادامه به شکل کامل به این موارد می‌پردازیم:

ball

توپ

The **ball** rolled out of the field after the shot.

توپ پس از ضربه به خارج زمین غلتید.

boots

کفش فوتبال / استوک

He bought new **boots** for the tournament.

او برای مسابقات یک جفت کفش فوتبال جدید خرید.

studs

میخ‌های زیر کفش

The **studs** helped him run faster on wet grass.

میخ‌های زیر کفش به او کمک کردند روی چمن خیس سریع‌تر بدود.

shin guards

ساق‌بند محافظ

Players must wear **shin guards** for safety.

بازیکنان برای ایمنی باید از ساق‌بند محافظ استفاده کنند.

jersey

پیراهن تیم

She wore her favorite **jersey** to support the club.

او برای حمایت از باشگاه پیراهن ورزشی مورد علاقه‌اش را پوشید.

shorts

شورت ورزشی

The **shorts** are made of light fabric.

این شورت از پارچه‌ای سبک ساخته شده است.

socks

جوراب(ها)

His **socks** covered the shin guards completely.

جوراب‌های او ساق‌بندها را به‌طور کامل پوشاندند.

gloves

دستکش(ها)

The **gloves** improved his grip in rainy weather.

دستکش‌ها در هوای بارانی چسبندگی دست او را بهتر کردند.

net

تور دروازه

The ball hit the **net** and the crowd cheered.

توپ به تور برخورد کرد و تماشاگران تشویق کردند.

whistle

سوت

The **whistle** signaled the end of the half.

صدای سوت پایان نیمه را اعلام کرد.

corner flag

پرچم کرنر

The ball stopped near the **corner flag**.

توپ در نزدیکی پرچم کرنر متوقف شد.

bib

کاور تمرینی

The substitutes wore orange **bibs** during warm-up.

بازیکنان ذخیره هنگام گرم کردن کاورهای نارنجی پوشیده بودند.

[بیشتر بخوانید: لباس ها در انگلیسی](#)

## مکان‌ها و قسمت‌های مختلف محیط فوتبال

مکان‌های فوتبالی و قسمت‌های مختلف زمین فوتبال به انگلیسی، از اصطلاحات فوتبال به انگلیسی هستند که حتما باید یاد بگیرید:

box

محوطه جریمه

The striker received the ball **inside the box**.

مهاجم توپ را در داخل محوطه جریمه دریافت کرد.

six-yard area

محوطه شش قدم

The cross landed in the **six-yard area**.

ارسال توپ در محوطه شش قدم فرود آمد.

touchline

خط کناری زمین

The coach stood near the **touchline** giving instructions.

مربی در کنار خط کناری ایستاده بود و دستور می داد.

goal line

خط دروازه

The defender cleared the ball off the **goal line**.

مدافع توپ را از روی خط دروازه دور کرد.

halfway line

خط میانی

The match restarted from the **halfway line**.

مسابقه از خط میانی دوباره آغاز شد.

center circle

دایره وسط زمین

The players gathered in the **center circle** before the start.

بازیکنان پیش از شروع در دایره وسط زمین جمع شدند.

dugout

نیمکت سرپوشیده کادر فنی

The manager watched the game from the **dugout**.

سرمربی مسابقه را از نیمکت سرپوشیده دنبال کرد.

bench

نیمکت ذخیره‌ها

Several substitutes sat on the **bench**.

چند بازیکن ذخیره روی نیمکت نشسته بودند.

tunnel

تونل ورودی بازیکنان

The teams walked out of the **tunnel** together.

دو تیم با هم از تونل وارد زمین شدند.

dressing room

رختکن

The coach talked to the players in the **dressing room**.

مربی در رختکن با بازیکنان صحبت کرد.

technical area

محدوده فنی مربیان

The referee warned the manager to stay inside the **technical area**.

داور به سرمربی هشدار داد که داخل محدوده فنی بماند.

terrace

جایگاه ایستاده تماشاگران

Fans were singing loudly in the terrace.

هواداران در جایگاه ایستاده با صدای بلند آواز می خواندند.

[بیشتر بخوانید: مکان ها به انگلیسی](#)

## جمع بندی

فوتبال فقط یک بازی نیست، بلکه مجموعه ای از واژه ها و اصطلاحات تخصصی است که دانستن آن ها باعث می شود مسابقه ها، گزارش ها و گفتگوهای ورزشی را بسیار بهتر درک کنید. در این مقاله تلاش کردیم مهم ترین اصطلاحات فوتبال را به صورت دسته بندی شده، همراه با مثال و ترجمه رسمی آموزش دهیم تا بتوانید آن ها را واقعا در مکالمه و موقعیت های واقعی استفاده کنید. حالا با این دایره واژگان، تماشای هر مسابقه برایتان حرفه ای تر و لذت بخش تر خواهد بود.

## تفاوت «football» و «soccer» چیست؟

در انگلیسی بریتانیایی معمولاً از **football** استفاده می‌شود، اما در انگلیسی آمریکایی واژه **soccer** رایج‌تر است.

## برای فهم گزارش‌های زنده کدام اصطلاحات مهم‌ترند؟

اصطلاحات مربوط به قوانین، خطاها و تصمیم‌های داوری مانند **penalty**، **offside** و **free kick** بیشترین کاربرد را در گزارش‌ها دارند.

## چگونه اصطلاحات فوتبال را سریع‌تر یاد بگیریم؟

تماشای مسابقه با گزارش انگلیسی و همزمان توجه به کلمات شنیده‌شده، بهترین روش یادگیری طبیعی و ماندگار است.

## آیا این واژه‌ها در مکالمه روزمره هم استفاده می‌شوند؟

بله، بسیاری از آن‌ها مثل **hat-trick**، **comeback** یا **underdog** حتی در گفتگوهای غیرورزشی و استعاری هم کاربرد دارند.

## از کجا بفهمیم کدام اصطلاح رسمی و کدام عامیانه است؟

واژه‌های مربوط به قوانین و پست‌ها معمولاً رسمی‌اند، اما بخش **اسلنگ‌ها** و عبارات گزارشگری بیشتر حالت غیررسمی و رسانه‌ای دارد.